سهم هنرمندان ایرانی در خطاطی اسلامی هند

دسایی، ضیاءالدین

شجاع خانی، محسن

خوشنویسی به عنوان یک هنر در میان مسلمانان، بیش و پیش از آنکه صرفا از لحاظ هنری،ارزش به‏ حساب آید،از آن جهت که به کار کتابت قرآن مجید می‏آمده عملی صالح به شمار می‏رفته و متضمن ثواب‏ اخروی برای خطاط بوده است.هم از این روست که‏ خط عربی به یکی از پیشرفته‏ترین ابزار هنری تبدیل‏ شد و هنرمندان مسلمان بسیاری در سراسر جهان‏ اسلام و بخصوص در ایران جدید،افغانستان،آسیای‏ میانه،ترکیه،و شبه قارهء هند به آن روی آوردند.ضمنا در فرهنگی که مشوق نقاشی و مجسمه‏سازی از جانداران نمی‏باشد(اگر چه کاملا آن را منع نمی‏کند)، هنر می‏بایست به گونه‏ای جذاب و بر اساس اشکال‏ هندسی و طرحهای گل مانند متجلی شود.خط عربی‏ از این قابلیت برخوردار بود و ساختار حروف آن این‏ امکان را به وجود می‏آورد که به اشکال مختلف نوشته‏ شود.به عبارت دیگر،هنرمند قادر است در اندازه‏های‏ متقارن،خطوط موزون و دلپذیری را ترسیم سازد. انعطاف‏پذیری خاص این خط به خطاط امکان استفاده‏ از مربع‏ها،دایره‏ها،بیضی‏ها،حلقه‏ها و دیگر اشکال‏ هندسی را می‏دهد و او می‏تواند آنها را به طرحهای‏ گوناگون و نامحدودی تبدیل نماید.لذا مردم‏ هنر دوستی چون ایرانیان از اولین مسلمانان غیر عربی‏ بودند که خط و زبان عربی را در اختیار گرفتند و از انعطاف‏پذیری آن کمال استفاده را برده و زیباترین آثار خطاطی را آفریدند.

به طور خلاصه می‏توان اظهار داشت که خطاطی به‏ عنوان یک هنر ظریف از جایگاه ویژه‏ای در میان پیروان‏ اسلام(هر جا که این دین پا گذاشت)برخوردار شد. شبه قارهء هند نیز از این قاعده مستثنا نبود و از ابتدای‏ ورود اسلام به این سرزمین و بخصوص در بناهای‏ تاریخی،هنر خطاطی جایگاه خاصی داشت و کتیبه‏های هنرمندانه در کنار طرحهای گلدار و موزون‏ زینت‏بخش آثار معماری گردیدند.برای مثال‏ کتیبه‏های خط کوفی در بانپور سند(پاکستان)و کچ در گجرات هند و کتیبه‏های خط ثلث بر مساجد دهلی و اجمیر،نمونه‏های خطاطی قرون هشتم،نهم، دوازدهم و سیزدهم میلادی هستند.پس از آن در قرون‏ 13 و 14 به انواع معمول و غیر معمول خطاطی بسیار عالی بر روی بناهای تاریخی و سنگهای مقابر در تمامی‏ شبه قاره برمی‏خوریم.خط نسخ،رقاع و تنگی بر روی‏

سنگهای مقابر گجرات و خط بسیار زیبای ثلث بر روی‏ سنگ نوشته‏های بنگال و به مقیاس کمتر در گجرات و راجستان-که به وسیله تصاویر زیبایی شبیه تیر و کمان،ردیفی از فانوس،پرندگان در حال پرواز، مرغابیانی که با گردنهای کشیده بر روی آب پرواز می‏کنند،مارهای گردن افراشته و مانند آنها و همچنین‏ سنگ نوشته‏های بسیار دلپذیر خط ثلث در بیجاپور، گلکنده و حیدرآباد و دیگر سنگ نوشته‏های دوران‏ حکومت گورکانیان نمونه‏هایی از آنهاست.

هنر خطاطی در دوران امپراتوری گورکانیان رواج‏ یافت.بخصوص هنگامی که همایون در ربع دوم قرن‏ شانزدهم میلادی موقع بازگشت از تبعید از ایران، هنرمندان پر استعدادی چون میر عبدالصمد شیرازی شیرین رقم،سید علی جدایی و نظیر آنها را با خود به هند آورد،آهنگ رشد و توسعه آن سریع‏تر گردید.بعدها تعداد زیادی از خطاطان ایرانی که‏ مجذوب توجهات جانشینان همایون یعنی اکبر، جهانگیر و شاه جهان به هنر شده بودند،هند را به‏ عنوان وطن جدید خود برگزیده و آثار خطاطی بسیاری‏ را در اشکال گوناگون مانند نسخه‏های خطی، کتیبه‏های کاغذی(که در ایران«قطعات»و در هند «وصلی»نامیده می‏شدند)و نیز سنگ نوشته‏ها و معرق‏ سنگ و یا خطاطی با رنگ بر روی سنگهای قیمتی و فلزات،به وجود آوردند.

تقریبا در همان دوران و یا کمی پیش از آن تأثیر هنر خطاطی در هنر،فرهنگ و معماری دکن نیز مشاهده‏ می‏شود.تأسیس حکومتهای مستقل در«گلبرگا»و «بیدر»و به دنبال آن در گلکنده،بیجاپور،احمدنگر و ...در اواسط قرن چهاردهم و اوایل قرن شانزدهم‏ میلادی توسط حکمرانان ایرانی‏تبار،گشایشی برای‏ مهاجرت ایرانیان بود و در نتیجهء آن دانشمندان،شعرا و هنرمندان مهاجر ایرانی زندگی و فرهنگ این منطقه‏ را شکوفا ساختند.ضمن اینکه مشاهده می‏شود مدتها پیش از تشکیل این حکومتها در مناطق یاد شده، مهاجرت ایرانیانی که بیشتر آنها را تجار و بازرگانان‏ تشکیل می‏دادند،به گجرات آغاز شده بود و گواه این‏ مسأله نوشته‏های روی مقابر کسانی است که از اقشار مختلف مردم ایران(از جمله یک شاعر ایرانی به نام‏ زین‏الدین علی متخلص به سالاری)به این خطه‏ مهاجرت نموده بودند.این نوشته‏ها به سبب خطاطی‏ بسیار هنرمندانه آنها به خط کوفی و نسخ که به وسیله رقاع تزیین شده‏اند قابل تحسینند و باید از آثار هنرمندان ایرانی باشند.

برخلاف گجرات،نفوذ ایرانیان در دکن از همان آغاز بسیار گسترده،طولانی و با ثبات بود.تعداد قابل‏ ملاحظه‏ای از مقامات حکومت بهمنی‏ها از جمله وزرا، فرماندهان ارتش و فرمانداران را ایرانیان تشکیل‏ می‏دادند و طبیعی است که تعداد زیادی از بازرگانان، هنرمندان،شعرا و دانشمندان آن کشور نیز به این‏ سرزمین آمده باشند.و همان گونه که همگان می‏دانند شاه احمد ولی بهمنی احترام بسیار زیادی برای‏ صوفی مشهور ایرانی شاه نعمت‏الله ولی حسینی‏ کرمانی قائل بود و به منظور بزرگذاشت و تجلیل از مقام وی آرامگاهی برایش در ایران ساخت و کتیبه‏ای‏ سنگی که یاداور روزهای هم‏نشینی باشد بر بقعهء وی‏ نصب کرد.بعدها پسران و نوادگان شاه نعمت‏الله ولی‏ به پایتخت حکومت بهمنی‏ها(بیدار)آمده و در آنجا سکنا گزیدند.در نتیجه مشاهده می‏شود که برخلاف‏ شمال هند،در مناطقی چون بیدار برای نمونه از خطاطی بسیار عالی و برجسته‏ای بر روی سنگ و یا کاشی از قرن پانزدهم میلادی به جای مانده است.

از نمونه‏های خطاطی رنگی و خطاطی روی کاشی در بناهای تاریخی،-که از آثار دو هنرمند پر استعداد ایرانی به نام‏های شکرالله قزوینی و علی الصوفی‏ هستند-می‏توان نام برد.شکرالله قزوینی با مهارت‏ خاصی با رنگهای روشن بر روی زمینه‏های طلایی، سبز،فیروزه‏ای و سیاه براق به سبک فارسی و متناسب‏ با فرشها و جلد کتابها و کتیبه‏های سنگی(که به‏ سبکهای بسیار زیبای کوفی،طغره،ثلث و نسخ) شجره‏نامهء کامل شاه نعمت‏الله ولی را به دستور سلطان،بر روی سنگ نوشت.خطاط دیگر یعنی علی‏ الصوفی متن قرآن را با خط ثلث و به رنگ زرد بر روی‏ کاشیهای آبی رنگ خطاطی نمود که نمونه‏ای از شاهکارهای این هنر به شمار می‏رود.

اما به هر حال می‏توان گفت چه در شمال و چه در جنوب شبه قاره،هنر خطاطی به عنوان هنری مستقل‏ در ربع قرن شانزدهم میلادی مقام رفیعی برای خود کسب کرد.و همان گونه که قبلا اشاره شد،این مسأله‏ بعد از آنکه همایون هنرمندانی را با خود از ایران آورد اتفاق افتاد.موقعیت این هنر در زمان اکبر فرزند همایون(1603-1554 میلادی)و با استفاده از کاغذ برای خطاطی به اوج خود رسید.دربار اکبر، جهانگیر و شاه جهان،و نیز اشراف زادگانی چون میرزا عبد الرحیم خان خانان،استادان خطاطی برجسته‏ای‏ را از ایران و آسیای مرکزی-که از لحاظ فرهنگی بسیار به ایران نزدیک بودند-جذب نمود و شاگردان هندی‏ آنها نمونه‏های خطاطی بسیار زیبایی را بر روی کاغذ و سنگ از خود به جای گذاشتند.

متأسفانه نمونه‏های خطاطی میر عبدالصمد شیرین‏ رقم،سید علی جدایی،خواجه امین الدین محمد هروی،بهبودفر،خواجه محمود بن اسحاق شهابی و مانند آنها که در دربار همایون بودند در دسترس‏ نیست.یکی دیگر از خطاطان معروف آن زمان خواجه‏ محمود بن اسحاق شهابی است که از حمایت برادر همایون یعنی میرزا کامران که خود را شاه کابل‏ می‏خواند برخوردار بود.این خواجه دیوان میرزا کامران‏ را کتابت نموده بود که یکی از کتابهای بسیار نفیس در کتابخانه جهانگیر و شاه جهان به شمار می‏رفت و هم‏ اکنون در کتابخانه خدابخش در شهر«پتنا»نگهداری‏ می‏شود.

در زمان اکبر در شمال هند و در عهد حکومت عادل‏ شاهیان و نظام شاهیان در دکن،تعداد زیادی از ادیبان‏ و هنرمندان ایرانی که اغلب صاحب هر دو خصیصه‏ بودند،سهم به سزایی در توسعه و گسترش هنر خطاطی داشتند.از برجسته‏ترین خطاطان دوران اکبر عنایت‏الله شیرازی است که در کتابخانه سلطنتی‏ کار می‏کرد و کتابت نسخه مصور ترجمه فارسی‏ «مهابهارت»را که«رزم‏نامه»خوانده می‏شد و اکنون در کتابخانه مهاراجه سابق جی‏پور نگهداری‏ می‏شود،انجام داد.میرمنشی محمد اصغر معروف به‏ اشرف‏خان،طالعی یزدی و سلطان محمد وصالی(که‏ نمونه‏های خطاطی آن هنوز به دست نیامده است)، عبد الرحیم هروی که خطاط بسیار برجسته‏ای بود و از آثارش افزون بر وصلی می‏توان از نسخه‏های خطی‏ بسیار زیبای کتابهای ابوالفضل موسوم به«عیار دانش» (نسخه خلاصه شده کلیله و دمنه)و کتاب حسن واعظ کاشفی موسوم به«انوار سهیلی»که به عقیده تاریخ‏ هنرنویسان هندی و خارجی به زیباترین سبک خط نستعلیق کتابت شده،از دیگر هنرمندان این دوره‏ هستند.میر بایزید بن سلطان هروی متخلص به‏ کاتب الملک،خطاط کتیبه بسیار زیبایی به خط نستعلیق(1569 میلادی)در ناگور راجستان است.

وی دو اثر نستعلیق مشهور از خود به جای گذاشته که‏ زینت‏بخش موزهء ملی هند در دهلی نو و موزه سالار جنگ در حیدرآباد است.محمد باقی سمرقندی که نمونه خطاطی بر روی کاغذ وی‏ هنوز به دست نیامده و بر اساس شواهد به دست آمده‏ کتیبه‏های مقبره شمس الدین اتگه‏خان در محلهء نظام الدین بستی دهلی نو از آثار استادانهء او به خط ثلث بوده است.ملا عبد الباقی نهاوندی در کتاب‏ قطور خود به نام«مآثر رحیمی»از خطاطان ایرانی‏ چون مولانا درویش ترابی و پسرش محمد قاسم، شجاعت شیرازی،ملا مؤمن هروی،و محمد باقر کاشی‏ و آقا محمد شیرازی نام می‏برد که ابتدا از ایران به‏ بیجاپور آمده و به خدمت اکبر درآمدند و در کتابخانه‏ عبد الرحیم خان خانان مشغول خطاطی شدند.به نظر می‏رسد که عبد الرحیم هروی که بعدها در زمان‏ جهانگیر لقب روشن قلم گرفت مدتی نیز با کتابخانهء مذکور ارتباط داشته است.

در زمان جهانگیر نیز به خطاطان طراز اولی‏ برمی‏خوریم که از جمله آنها افراد زیر را می‏توان نام برد: -عبد الرحیم هروی روشن قلم جهانگیر شاهی که‏ کتاب«چهل مجلس»صوفی معروف ایرانی میر علاء الدین سمنانی را به خط نستعلیق و بسیار زیبا در سال 1611 میلادی کتابت نمود.از میان آثار وی‏ تعدادی وصلی به خط نسخ به جای مانده است.

عبد الرحیم غریق(که بعضی معتقدند همان روشن‏ قلم می‏باشد)شاگرد میر علی،که بنا به گفته خودش‏ (در قطعه شعری که در سال 1618 کتابت نمود) استاد برجسته خط نستعلیق بوده و آثار دیگری نیز به‏ شکل وصلی و نسخه‏های خطی از خود به جای‏ گذاشته است؛عبد الله الحسینی که تعدادی از وصلی‏های وی شناخته شده‏اند زین الدین علی‏ شیرازی که با خط زیبای نسخ یک تفسیر شیعی‏ منسوب به فردی به نام میر مرتضی را برای یکی از اشراف زادگان دربار اکبر و جهانگیر به نام شیخ فرید مرتضی خان بخاری در سال 1616 میلادی کتابت‏ نمود.این نسخه هم اکنون در کتابخانه موزه سالار جنگ است.عبد الحق بن قاسم شیرازی استاد خط نسخ و ثلث که تا زمان شاه جهان به خدمت مشغول‏ بود.نمونه‏های خط وی بر روی کاغذ موجود نیست اما کتیبه سنگی که وی به دستور جهانگیر برای مقبره‏ اکبر در سکندرا(نزدیک آگرا)به خط بسیار عالی نسخ‏ در سال 1613 میلادی نوشت،گواه استادی وی در این هنر می‏باشد.

دوران شاه جهان از نظر معماری و خطاطی یکی از دورانهای طلایی هنر در شبه قاره به شمار می‏رود و در این دوران ما شاهد ورود ایرانیانی از اقشار مختلف‏ جامعه و با موقعیتهای مختلف از جمله اشراف زادگان، دانشمندان،شعرا و هنرمندان هستیم.عبد الحق‏ شیرازی که ذکرش در بالا آمد سمت کتابدار کتابخانه‏ سلطنتی شاه جهان را داشت و بعضا کارهای دیگری از جمله همراهی فرستادگان ایرانی به دربار را نیز انجام‏ می‏داد.وی لقب امانت خان گرفت و به سبب خطاطی‏ استثنایی‏اش در تاج محل آگرا منصبی نیز به وی داده‏ شد.این حقیقت که وظیفه خطاطی تزیینی بنای‏ تاریخی تاج محل به وی سپرده شد،خود گواه تبخر بی‏مثال وی در این هنر است.از دیگر خطاطی‏های وی‏ در بناهای تاریخی از دو کتیبه آیات قرآنی در مدرسه‏ مسجد سلطنتی آگرا که به خط ثلث و در سال‏ 1636 کتابت شده،می‏توان نام برد.اما از نظر بصری‏ ظریف‏ترین آثار وی دو کتیبهء تقریبا ناشناخته می‏باشند که بر سر دروازه«سرای»در چهار کیلومتری«اتاری»در مرز هند و پاکستان در بخش امریتسر قرار دارند.امانت‏ خان بعد از بازنشستگی روزهای آخر زندگی‏اش را در «سرای»گذراند و پس از مرگ در همانجا به خاک‏ سپرده شد.

یکی دیگر از خطاطان برجستهء دربار شاه جهان، عبد الرشید دیلمی،خواهرزاده میر عماد قزوینی‏ معروف به«آقا رشیدا»است که مجموعه‏ای از وصلی‏های وی در هند و خارج از هند موجود است.

دیگر خطاط برجسته این دوره محمد امین‏ مشهدی است که نمونه‏های زیبایی از خط نستعلیق‏ از خود به جای گذاشته که از آن جمله موارد زیر را می‏توان نام برد: -تابلویی در کتاب«مرآت العالم»بختاور خان(در سال 1971 میلادی)-کتابت کتاب«پادشاه‏نامه»ملا عبد الحمید لاهوری(تاریخ بیست سال اول حکومت‏ شاه جهان)که به خط نستعلیق بسیار زیبا نوشته شده‏ است و اکنون در موزه شخصی ملکه الیزابت دوم‏ انگلستان در کاخ ویندسر قرار دارد.کتیبه‏ای به خط نستعلیق و با حروف درشت و کوچک که در سال‏ 1945 برای«سرای»اسحاق بیک یزدی ملقب به‏ حقیقت خان نوشت.این کتیبه اینک در موزه شاهزاده‏ ویلز در بمبئی نگهداری می‏شود.نسخه دیگری از کتاب عبد الحمید لاهوری که به خط نستعلیق بسیار عالی و توسط محمد صالح الکاتب نوشته شده و در انجمن آسیایی کلکته نگهداری می‏شود.بر اساس‏ شواهد موجود این فرد با میر محمد صاحب که از خطاطان تراز اول کتابخانه شاه جهان بود و نسخ خطی‏ زیادی به مهر وی مهمور می‏باشد یکی نیست.

برخی دیگر از خطاطان ایرانی این دوره عبارتند از: عبد الباقر موسوی که تعداد قابل توجهی از وصلی‏های وی در مجموعه‏های هند و خارج از هند یافت می‏شود؛عبد الباقی حداد،پزشک و شاعر معروف؛حکیم رکن الدین مسیح کاشی معروف به‏ حکیم رکنا،که از جمله کتابهایی که کتابت آن را به‏ وی نسبت می‏دهند،«گلستان سعدی»متعلق به سال‏ 1627 را می‏توان نام برد و الف.اسپرینگر در فهرست نسخ خطی فارسی و هندوستانی موجود در کتابخانه«اوده»از آن به عنوان زیباترین اثری که دیده، نام می‏برد؛نعمت الله بن علی شیر السباع که کتاب‏ «لوایح»جامی را به خط نستعلیق بسیار عالی کتابت‏ نمود و این کتاب در کتابخانه موزه سالار جنگ‏ حیدر آباد موجود است؛درویش شاه حسین بن مولانا محمد رضا اصفهانی و سرانجام محمد سعید لاهیجانی مشهور به سعیدای گیلانی که مسؤول زرگر سلطنتی بود.

ورود خطاطان ایرانی در زمان اورنگ زیب نیز ادامه‏ داشت و هنر خطاطی زیر نظر عبد الباقی حداد که‏ ذکرش در بالا آمد،تا زمان بازگشت وی به وطنش‏ همچنان رونق داشت.نسخه‏هایی از قرآن که توسط وی‏ کتابت شده‏اند شناخته شده هستند.

محمد عارف هروی یاقوت رقم،سید علی تبریزی‏ جواهر رقم،شمس الدین علی خان،محمد باقر بن‏ زین الدین حسینی،محمد اسماعیل عاقل(یا غافل) مازندرانی،شاعر معروف محمد سعید اشرف مازندرانی‏ ،علی رضا گیلانی و حاجی اسماعیل سبزواری از دیگر خطاطان این دوره به شمار می‏آیند.

در میان خطاطان دکن در دربار نظام شاهیان به نام‏ عبد القادر الحسینی شیرازی بر می‏خوریم.همچنین‏ خطاطان برجستهء دربار عادل شاهیان عبارت بودند از: عبد اللطیف بن مصطفی مجلسی و عبد الحلیم بن‏ مصطفی عادلشاهی که آلبومی از آثار خطاطی با کیفیت بسیار بالای آنها در موزه سالار جنگ موجود است.

هنر خطاطی در دکن از نظر کمی و کیفی در دربار قطب شاهیان گلکنده به حد اعلای خود رسید،زیرا به‏ دلیل هم مذهب بودن حکمرانان این سلسله با ایرانیان، تعداد زیادی از سیاستمداران،دانشمندان،شعرا، هنرمندان و بازرگانان ایرانی جذب قلمرو آنها شدند.

متأسفانه تاریخ هنر و ادبیات زمان قطب شاهیان به‏ خوبی ضبط نشده است.تعداد قابل ملاحظه‏ای از نمونه‏های خطاطی این دوره(از کتیبه‏های سنگی و خطاطی بر روی کاغذ)گواه این حقیقت است که هنر خطاطی(بخصوص نسخ و نستعلیق)در این دوران از کیفیت بسیار بالایی برخوردار بوده و بیشتر خطاطان‏ این زمان را ایرانیان تشکیل می‏دادند.

خوشبختانه تعداد زیادی از نسخه‏های خطی کتابت‏ شده توسط خطاطان متبحر ایرانی در حیدرآباد از طریق فهرستهای تهیه شده،شناخته شده‏اند.برای‏ مثال محمد سعید بن مسعود الهروی که خود را خدمتکار ابراهیم قطب شاه معرفی می‏کند«ثمانیه» امیر خسرو را در سال 974 هـ(1564 میلادی)برای‏ کتابخانه سلطنتی کتابت نمود و گفته می‏شود که هم‏ اکنون در ایران محفوظ است.چند سال بعد فردی به‏ نام علاء الدین تبریزی کتاب«نزهت الارواح»میر سادات‏ حسینی و کتاب«لوایح»جامی را به نستعلیق بسیار زیبا کتابت نمود که جزو مجموعه کتابخانه موزه سالار جنگ می‏باشد.یکی از خطاطان برجسته اما گمنام‏ دوران محمد قطب شاه،زین الدین علی شیرازی‏ می‏باشد که یکی از وصلی‏های وی که به خط نسخ‏ بسیار عالی نوشته شده و امضای وی نیز در پایین آن‏ (خوشنویس هندوی)آمده است در موزه ملی دهلی‏ نگهداری می‏شود.

در دوران حکومت محمد قطب شاه(جانشین محمد قلی)که شاید تحصیل کرده‏ترین حکمران این سلسله‏ بود و علاقه فراوانی به کتاب داشت،یکی از خطاطان‏ درباری به نام محمد حسن که نسبش به ایرانیان‏ می‏رسید،نسخهء بسیاری زیبایی از دیوان حافظ را در کتابخانه سلطنتی به خط نستعلیق کتابت نمود.

خطاط دیگری به نام عبد اللطیف کتاب«روضة الابرار»را که تفسیری بود بر«نهج البلاغه»به سال‏ 1018 به نسخ و نستعلیق کتابت نمود.یک سال قبل‏ از آن وی دیوان مجید همگر(که یک شاعر ایرانی بود) را به خط نستعلیق در حیدرآباد کتابت کرده بود.

در اواخر قرن 18 و اوایل قرن 19 میلادی شاهد جریان تازه‏ای از مهاجرت خطاطان ایرانی به حیدرآباد مرشدآباد و مناطق دیگری هستیم،که حکمرانان آنها از حامیان و مشوقان هنرمندان و ادیبان بودند.از میان‏ خطاطان مرشدآباد کسانی مانند امام قلی شیرازی و عبد العلی اصفهانی را که آثارشان در موزهء سالار جنگ‏ نگهداری می‏شوند،می‏توان نام برد.در حیدر آباد فردی‏ به نام محمد رضا بن تقی التبریزی ملقب به مسکین‏ قلندر دست کم 6 نسخه از قرآن مجید را به خط نسخ‏ کتابت نمود که در موزهء سالار جنگ می‏باشند.گفته‏ می‏شود یکی از آنها هفتاد و پنجمین نسخه از یکصد نسخه‏ای است که وی قصد کتابت آنها را داشت.

خطاطان دیگر قرن نوزدهم که نمونه‏های خط نسخ‏ و نستعلیق آنها در این موزه نگهداری می‏شوند عبارتند از:محمد حسن بن محمد حسین الطبسی،میرزا فضل علی بیات،حافظ محمد باقر زرین قلم،محمد علی همدانی،احمد الشرف الهروی،علی اکبر الخمروی الموسوی،میرزا محمد ابراهیم شیرازی‏ (نسخه‏ای از تحفة الوزراء را که وی به نسخ کتابت‏ نموده در کتابخانه همان موزه می‏باشد.وی به احتمال‏ قوی پسر خطاط مشهور ایرانی میرزا وصال کوچک‏ شیرازی است)،محمد حکیم پسر دیگر میرزا وصال که‏ به شیراز مراجعت نمود و در همانجا در گذشت، عبد الکریم طباطبایی که خط شفیعا را بسیار عالی می‏ نوشت و کتاب«لوایح»را برای نواب مختار الملک‏ نخست وزیر حیدرآباد کتابت نمود.بعضی از این‏ استادان خط به افراد خاندان آصف جاهی تعلیم خط نیز می‏دادند.

این پژوهش کوتاه بدون ذکر نام خطاطان ایرانی که‏ بیشتر آنها در قرن نوزده میلادی از شیراز به بمبئی‏ آمده و مروج انتشار آثار کلاسیک فارسی شدند،ناقص‏ خواهد ماند.فردی به نام میرزا محمد ملک الکتب‏ شیرازی که خود خطاط نیز بود یک مؤسسهء انتشاراتی‏ را در بمبئی تأسیس نمود که آثار برجسته خطاطی‏ نستعلیق ایرانی مانند تاریخ وصاف،انوار سهیلی، اخلاق ناصری،مثنوی مولانا رومی،دیوان حافظ، کنز المسائل و غیره را منتشر کرد.از جمله کاتبان این‏ آثار،فرزندان خانواده میرزا وصال شیرازی مانند میرزا محمد ابراهیم و میرزا محمد حکیم را می‏توان نام برد.